

در شناخت حالات و مقامات «حاج آقا مجتهدی»

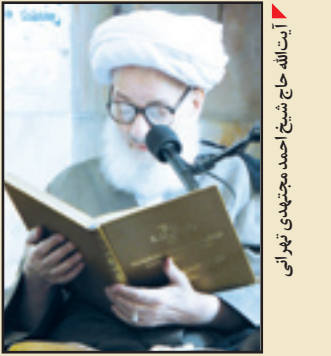
احیاگر مکتب اخلاقی تهران

■ محمد رضا کائینی



این قلم که خود به شاگردی زنده‌یاد آیت‌الله حاج شیخ احمد مجتهدی تهرانی مباحی است، همواره آثاری که در باب سیره و سلوک تربیتی او نشر یافته را تعقیب کرده است. هم از آن روی در یافتن آخرین نمونه این پوشش، به اثری برخورد که «حاج آقا مجتهدی» نام دارد. مؤسسه ایمان ماندگار ناشر این اثر، در باب مکتب اخلاقی و تربیتی‌ای که زنده‌یاد مجتهدی بدان تعلق داشت، در دیباچه آورده است:

«در اواخر حکومت پهلوی اول بود که آیت‌الله حاج شیخ علی‌اکبر بهان با حکم آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی در سال ۱۳۱۸ ه. ش از نجف به تهران بازگشت. او آمده بود که در مصاف با تهاجمات ضددینی رضاخان، رونقی دوباره به شعارت دینی بخشد. آنگونه که شاهدان عینی نقل می‌کنند، وی اولین بار سوار بر اسب، به اطراف مزارع منطقه لرزاده تهران آمد و باهمراهی برخی از متذنبین، خشت‌های مساجدی را بر زمین نهاد که در سال‌های بعد به یکی از بزرگ‌ترین و باشکوه‌ترین مساجد و مدارس علمیه تهران در اوایل حکومت پهلوی دوم تبدیل گردد. آیت‌الله بهران (رحمت‌الله) در آن دوران سخت، با شیوه‌های تربیتی منحصر به‌فرد خویش، شروع به تربیت طلاب جوانی کرد که هر یک همچون چراغ هدایتی در دوران تاریک حکومت پهلوی، با تعلیم و تربیت نسلی متذنب و پرشور، زمینه‌ساز انقلابی عظیم در این‌ مرز و بوم گردیدند. شاید بتوان آن دوره را عصر احیای تعلیم و تربیت دینی در تهران نامید؛ چراکه در گوشه‌ای از شهر آیت‌الله بهران با راه‌اندازی مسجد و مدرسه‌ای کم‌نظیر به نام لرزاده و تأسیس چند باب مدرسه علوم جدید در مقاطع سنی کوتاه‌تر به تعلیم و تربیت دینی عموم مردم، به‌ویژه طلابی عالم، خودساخته، پرشور و انقلابی می‌پرداخت. در میانه بازار تهران نیز مرحوم شیخ



محمدحسین زاهد در مسجد امین‌الدوله، به تعلیم و تربیت توده مردم، به‌ویژه بازاریان اشتغال داشت. در سال‌های بعد، از میان این‌ دو مکتب علمی و تربیتی، مکتبی در علوم دینی و تربیت عالمان دین‌پرور شکوفا شد، که بر چمدار و مربی والا مقام آن، آیت‌الله حاج شیخ احمد مجتهدی تهرانی، خود را تربیت‌یافته‌اسانید گرانقدری چون آیت‌الله بهران و مرحوم شیخ محمدحسین زاهد این دانش می‌دانست و آنها که اندک آشنایی با سیره تربیتی این دو مربی فرزانه داشته باشند، تبلور سبک تربیتی و علمی ایشان را به نحوی رشد‌یافته‌تر، در مکتب تربیتی آیت‌الله مجتهدی به‌وضوح مشاهده می‌کنند. آیت‌الله مجتهدی با بهره‌گیری از شیوه از‌ششند اساتید توانمند خویش، مسجد و مدرسه‌ای را احیا نمود که چند دهه پیش از آن، توسط یکی از مجتهدین تراز اول تهران به نام آیت‌الله حاج ملا جعفر چالهمیدانی تأسیس شده، اما بتداید حوادث عصر پهلوی، از آن مسجد نورانی، مزلمله‌ای ناگوار ساخته بود. از این روی، حاکم‌گیری حوزه علمیه آیت‌الله مجتهدی در همان سال‌های نخست را می‌توان میراث‌دار مکتب علمی فقیهان و حکیمان عصر گذشته، و احیاکننده مکتب علوم دینی تهران پس از دوران فترت پهلوی دانست.»

ناشر در باب ویژگی‌های اثری که منتشر کرده است نیز، توضیحاتی به شرح ذیل دارد: «کتاب پیش‌رو که حاصل مطالعات گسترده کتابخانه‌ای، استفاده از اسناد دست‌اول و برجای مانده از خاندان آیت‌الله حاج ملا جعفر چالهمیدانی تهرانی، پیاده‌سازی ده‌ها جلسه از بیانات ارز‌شمند مرحوم آیت‌الله مجتهدی برای به‌دست آوردن یک تاریخ شفاهی موثق، و مصاحبه‌های متعدد با شاگردان و ارادتمندان قدیمی آن استاد و مربی فرزانه است، در بخش اول به سابقه تاریخی این مدرسه مبار که از دوران مرحوم حاج ملا جعفر و زندگانی آن عالم بزرگ پرداخته، و در بخش دوم، به شرح زندگانی عالم ربانی آیت‌الله حاج شیخ احمد مجتهدی از دوران کودکی تا پس از شکل‌گیری حوزه علمیه ایشان، و سیره تربیتی آن مربی کم‌نظیر می‌پردازد. در پایان، این نوشتار را به شاگردان مکتب تربیتی آیت‌الله مجتهدی، عموم ارادتمندان آن عالم ربانی، و بیت مکرم ایشان تقدیم می‌نمایم.»

■ فاطمه عظیمیان

بی‌تردید تغییر ساختار فرهنگی و آموزشی ایران از مشروطه بدین سو، همواره مطمح نظر دول انگلیس و آمریکا بوده است. این هدف راهبردی، همواره به اشکال مختلف در کشورمان پیگیری می‌شده و آثار نمایانی نیز بر جای نهاده است. مقالی که هم‌اینک پیش روی شماست، در بسط همین پدیده تاریخی به نگارش در آمده است. امید آنکه تاریخ‌پژوهان و عموم علاقه‌مندان را مقید و مقبول آید.

■ ■ ■

■ در مفهوم تاریخی «دیپلماسی فرهنگی»

در روابط بین ملت‌ها، دیپلماسی فرهنگی با نوسازی و تغییر ساختار فرهنگی همراه است. در مورد دیپلماسی فرهنگی تعریف جامعی وجود ندارد و می‌توان اذعان داشت که نوعی تبادل فرهنگی است و به ملت‌ها فرصت داده می‌شود که از یک‌سوی ارزش‌های فرهنگی و ملی خود را به سایر ملت‌ها بپشاسانند و از سوی دیگر به سایر فرهنگ‌ها آشنا شوند. مؤسس دیپلماسی فرهنگی، دکتر امیل کنتستا نیتسکو، رئیس آکادمی دیپلماسی فرهنگی و رئیس جمهور سابق رومانی، دیپلماسی فرهنگی را چنین تعریف می‌کند: دیپلماسی فرهنگی ممکن است به‌عنوان بهترین دوره از اقدامات توصیف‌گرده که تبادل ایده‌ها، ارزش‌ها، سنت‌ها و دیگر جنبه‌های فرهنگی و هویتی را در برمی‌گیرد که هم تقویت روابط و افزایش همکاری فرهنگی تربیتی، مکتبی در علوم دینی و تربیت عالمان دین‌پرور شکوفا شد، که بر چمدار و مربی والا مقام آن، آیت‌الله حاج شیخ احمد مجتهدی تهرانی، خود را تربیت‌یافته‌اسانید گرانقدری چون آیت‌الله بهران و مرحوم شیخ محمدحسین زاهد این دانش می‌دانست و آنها که اندک آشنایی با سیره تربیتی این دو مربی فرزانه داشته باشند، تبلور سبک تربیتی و علمی ایشان را به نحوی رشد‌یافته‌تر، در مکتب تربیتی آیت‌الله مجتهدی به‌وضوح مشاهده می‌کنند. آیت‌الله مجتهدی با بهره‌گیری از شیوه از‌ششند اساتید توانمند خویش، مسجد و مدرسه‌ای را احیا نمود که چند دهه پیش از آن، توسط یکی از مجتهدین تراز اول تهران به نام آیت‌الله حاج ملا جعفر چالهمیدانی تأسیس شده، اما بتداید حوادث عصر پهلوی، از آن مسجد نورانی، مزلمله‌ای ناگوار ساخته بود. از این روی، حاکم‌گیری حوزه علمیه آیت‌الله مجتهدی در همان سال‌های نخست را می‌توان میراث‌دار مکتب علمی فقیهان و حکیمان عصر گذشته، و احیاکننده مکتب علوم دینی تهران پس از دوران فترت پهلوی دانست.»

■ سر گذشت به‌اصطلاح نوسازی فرهنگی در ایران

توجه به این نکته لازم است که نوسازی و اصلاحات، در

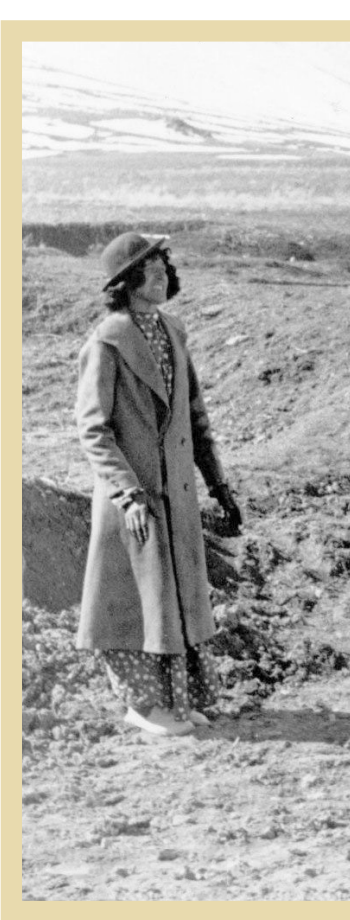
غرب در چارچوب پارادایم مدرنیته و در ابعاد مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و به‌صورت تدریجی و هماهنگ صورت گرفته است، اما نوسازی در کشورهای جهان سوم و ایران به‌صورت «ایدئولوژیک و غیرواقع‌بینانه، سطحی و ناقص» معرفی و اجرا شده است. نوسازی و اصلاحات در ایران معاصر، به دوران صفویه، انقلاب مشروطه، دوران پهلوی اول و دوم و درنهایت دوران انقلاب تقسیم می‌شود که منظر ما، آمریکا با استفاده از نوسازی و اصلاحات، وارد مقوله فرهنگ و آموزش شد. اثر توسعه اجتماعی- اقتصادی، بر تغییر فرهنگی دو مرحله دارد؛ صنعتی شدن که فرایند عمده تغییر فرهنگی را رشد داده و سکولاریسم را به همراه می‌آورد و سپس ظهور جامعه فرانسعتی. ایجاد فرایند دوم تغییر فرهنگی را به همراه دارد. در نتیجه انقلاب صنعتی در غرب و رشد سرمایه‌داری جهانی، کشورها به دو دسته صنعتی و در حال گذار تقسیم شدند. ایران جزو کشورهای در حال گذار بود که ساختار سیاسی، اقتصادی و فرهنگی تغییراتی را به وجود آورد و نظام سنتی حکومت قاجار به نظام نوین رضاشاهی تبدیل شد. در حکومت رضاشاه، روحیه مشارکت سیاسی به وجود نیامد و میان ارزش‌های نوظهور و ارزش‌های دینی در جامعه مذهبی ایران، شکاف ایجاد شد. در دوره قاجار، آموزش و پرورش، تعلیم و تربیت و مسند قضاوت، در دست روحانیت بود اما در زمان پهلوی اول، با جایگزین کردن تحصیلک‌رگان و غرب، از قدرت روحانیون کاسته شد. حکومت پرفراز و فرود پهلوی اول بر هسان راهبرد اول استوار بود. تأثیرات فکری -فرهنگی این دوره، بر گرفته از تأثیرات برجای‌مانده از انقلاب مشروطیت و تحصیلک‌رگان غرب بود که بر اساس الگوی غربی، معتقد بودند جامعه را باید از طریق دموکراسی و برپایه دگرگون‌سازی از فرهنگ سنتی به فرهنگ مدرن به‌پیش برد. می‌توان گفت که سیاست‌های فرهنگی این دوره، تبلور خواست و آرمان روشنفکران غرب‌زده بود که تنها راه رسیدن به تمدن غرب را دوری از سنت‌ها و فرهنگ دینی حاکم بر جامعه می‌دانستند.

■ میناشناسی تغییرات فرهنگی پهلویستی

سیاست‌های فرهنگی رضاشاه بر سه محور «ناسیونالیسم و باستان گرایی، تجددگرایی و مذهب‌زدایی استوار بود. حضور مسیون‌های مذهبی، تأسیس مدارس جدید، تأسیس کانون‌ها و انجمن‌ها

مانند «شورای عالی معارف، جمعیت تمدن‌نشان، سازمان پیشاهنگی، سازمان پرورش افکار، کانون

ایران باستان» جهت روشن ساختن افکار عامه، تغییر



نظری بر زمینه‌ها و پیامدهای تغییر ساختار فرهنگی ایران در دوران پهلوی‌ها

چند و چون یک تحمیل آموزشی

نظام آموزشی و ترویج بی‌قیدی در میان زنان و جوانان ازجمله اقدامات انجام‌شده در دوره رضاشاه در راستای نوسازی و اصلاحات بود. حضور آمریکایی‌ها بعد از کودتای ۲۸ مرداد در صحنه سیاست ایران، باعث شد محمدرضا پهلوی که از حمایت‌های آمریکا بر‌خوردار بود، سعی کند از خود یک چهره اصلاح‌طلب نشان دهد و با طرح لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی و انقلاب سفید، گام‌هایی را در راه نوسازی بردارد. آمریکا نیز برای نفوذ بیشتر در ایران و مشروعیت جلوه دادن فرهنگ، برنامه‌ها و به‌طور کلی پیشبرد سیاست‌های خود به‌خصوص آموزش، از مؤلفه قدرت نرم و دیپلماسی عمومی به‌جای جنگ سرد استفاده نمود. دیپلماسی عمومی که درواقع ابزاری برای مهندسی افکار و آذهان جامعه است، در خدمت سیاست خارجی یک کشور قرار می‌گیرد در جهت افزایش نفوذ در سایر کشورها. دولت ایالات‌متحده با استفاده از دیپلماسی عمومی، سعی کرد تا ارزش‌ها و شیوه‌های زندگی خود را گسترش داده و در سایر کشورها ازجمله ایران جایگزین کند. برنامه‌هایی از قبیل «انتشار مجلات، تبدلات فرهنگی، انتشار کتابت، ایجاد کتابخانه، آموزش زبان، بورس‌های دانشجویی و تأسیس مدارس» در این راستا بود.

■ مراحل دیپلماسی فرهنگی در عهد پهلوی‌ها

دیپلماسی عمومی اهداف خود را در مراحل سه‌گانه دنبال می‌کند: مرحله اول یادگیری است که با شناسایی و جذب نیگبان، عناصر و گروه‌های مهم و فعالان اجتماعی و فرهنگی را به انجمن‌ها و بنیادها و مراکز خود جذب کند. مرحله دوم، نخبه‌پروری است که با انتخاب افراد مستعد در زمینه‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی و با دادن آموزش‌های لازم به آنها و فراهم کردن فرصت‌های مورد نظر خود سعی می‌کند آنها را متمایل به فرهنگ و تمدن و ارزش‌ها و سبک زندگی کشور خود نماید. دیپلماسی عمومی از طریق کار روی افکار عمومی، نیگبان فکری-سیاسی و افراد کلیدی، دولت‌ها را قادر می‌سازد تا دولت‌ها و کشورهای دیگر را تحت تأثیر قرار دهند. مرحله سوم شبکه‌سازی است. در این مرحله یک شبکه از نیروهای تربیت‌شده و عناصر وابسته به خود ایجاد شده و وابستگی علمی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی در کشور مورد نظر نهادینه می‌شود و آمریکا بعد از جنگ جهانی دوم با استفاده از دیپلماسی عمومی، وارد ساختار فرهنگی کشور شد و از این طریق توانست برنامه‌های خود در عرصه سیاست خارجی را نیز اجرا کند. نظام آموزشی در انتقال فرهنگ و ارزش‌های مورد نظر دولت‌ها جایگاه خاصی دارد و دولت و گروه‌های فرادست جامعه

می‌کوشند معنایی که در جهت منافع آنها قرار دارد از طریق آموزش و پرورش بر جامعه تحمیل فرهنگی و آموزشی نقش عمده‌ای در نهادینه کردن ارزش‌ها، هنجارها و باورهای فرهنگی دارند. نظام آموزشی را در تمام سطوح انتقال‌دهنده سنت و فرهنگ به شمار می‌آورند، که از یک‌سو میراث فرهنگی را منتقل می‌کند و آن را زنده نگه می‌دارد و باورها و ارزش‌های اجتماعی را تثبیت می‌کند و از سوی دیگر می‌تواند عامل تغییر و تحول باشد. نوسازی نظام آموزشی، اصلاح مهارت‌های فنی، نظام اداری و فناوری را فراهم می‌کند و همچنین آموزش می‌تواند آرمان‌های فرهنگی جدیدی را القا کند و به این دلیل نظام آموزشی و هویت فرهنگی و محتوای برنامه‌های آن، محور منازعات گروه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی است، زیرا تسلط بر نظام آموزشی به معنای دستیابی به بستری برای انتقال آرمان‌ها، ارزش و هویت فرهنگی مورد نظر به بسیاری از آحاد جامعه است. از اوایل دوره قاجار با توجه به نیاز ایران به علوم نوین و تربیت نیروی کار آمد، فرایند نوسازی و الگوگیری نظام آموزشی در ایران از اهمیت فراوانی بر‌خوردار شد.

■ نگرانی ایرانی‌ها از به‌اصطلاح بازسازی ساختار فرهنگی و آموزشی

ایرانیان از یک‌طرف بر نوسازی نظام آموزشی تأکید می‌کردند و آن را زمینه‌ای برای پیشرفت و به دست آوردن دانش و فناوری اروپایی می‌دانستند، اما از سویی دیگر نگرانی خود را از این نظام آموزشی ابراز می‌داشتند؛ زیرا در نوسازی، نظام آموزشی غرب الگو قرار می‌گرفت و همواره مدرن‌سازی، غربی‌سازی را تداعی می‌کرد. بعد از جنگ جهانی دوم و حضور نفوذ آمریکا در ایران، تلاش برای تغییر سیستم آموزشی کشور از فرانسوی به امریکایی با برنامه‌هایی چون فوئربرایت آغاز شد و به دنبال اجرای این طرح، اقدامات آموزشی مانند تغییر سیستم اعزام دانشجو به خارج، برقراری تبادلات فرهنگی-آموزشی با ایران، حمایت از مدارس مسیسوری امریکایی، تأسیس مدارس امریکایی در دوره پهلوی دوم، از دیگر شیوه‌های نوسازی آمریکا در نظام آموزشی ایران بود. به‌طور کلی دهه ۴۰ و اوایل دهه ۵۰، در طول دولت پهلوی دوم از حیث تحولات نوسازی فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی از اهمیت ویژه‌ای بر‌خوردار است. چنان که مهم‌ترین دگرگونی‌های نظام آموزشی در این برهه رخ داد. می‌توان گفت که پایه و اساس ساختاری نظام آموزشی کشور که همچنان تا به امروز تداوم دارد، در این مقطع پایه‌گذاری شده است. در پژوهشی تحت عنوان «تحلیل نوسازی نظام آموزشی ایران در دهه ۴۰ و اوایل دهه ۵۰» نویسنده، زمینه‌ها و ضرورت نوسازی آموزشی را به صورتی علمی و مطالعه داخلی تقسیم‌بندی کرده است و در مورد زمینه بین‌المللی می‌گوید: بعد از جنگ جهانی دوم، اتحاد شوروی و احزاب و گروه‌ها کمونیستی، تنها راه نجات جهان را تحقق شعارهای سوسیالیسم و راهی از سرمایه‌داری اعلام نمودند و آمریکا برای مقابله با این مسئله، نظر به نوسازی را مطرح نمود که بستر تاریخی نظریه‌نوسازی محصول سه رویداد مهم بعد از جنگ جهانی دوم بود؛ یعنی ظهور آمریکا به‌عنوان یک ابرقدرت، گسترش جهان کمونیسم و تجزیه امپراتوری‌های استعماری اروپایی در آسیا، آفریقا و امریکای لاتین که نیگبان سیاسی اندیشمندان علوم اجتماعی را به مطالعه کشورهای جهان سوم ترغیب کردند تا الگویی برای این کشورها در جهت دستیابی به توسعه اقتصادی ارائه دهند که مهم‌ترین نماینده مکتب نوسازی در دهه‌های ۱۹۶۰- ۱۹۵۰، ولت وینتم روستو، اقتصاددان و جامعه‌شناس امریکایی بود که نظریات وی مبنای ارائه‌الگوی توسعه به کشورهای جهان سوم و اساس سیاست خارجی آمریکا شد و برنامه‌ها و سازمان علمی-فرهنگی ملل متحد (یونسکو) در تشویق دولت پهلوی به نوسازی نظام آموزشی مؤثر بود. در سال‌های پایانی دهه ۱۳۲۰، برنامه‌ریزی برای مبارزه با بی‌سوادی و گسترش آموزش عمومی در سطح جهانی با محوریت یونسکو صورت گرفت. دهه‌های ۱۳۲۰ و ۱۳۳۰ هنوز قدرت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دولت پهلوی به مرحله‌ای از استواری نرسیده بود که فرهنگ را در اولویت قرار دهد. با آغاز دهه ۴۰ و شروع اصلاحات موسوم به انقلاب سفید، دولت اقدامات خود را در جهت کنترل و هدایت فرهنگ آغاز نمود و درآمدهای نفتی، دولت را قادر ساخت که به‌صورت همه‌جانبه در حوزه فرهنگ وارد شود و کشورهای فرهنگی خود را منسجم‌تر دنبال کند. نهادسازی آموزشی کشور، اولین قدم نوسازی نظام آموزشی کشور بود و دهه ۵۰ به لحاظ گسترش کمی مؤسسات آموزشی، دگرگونی نظام آموزشی و گسترش تعداد دانش‌آموزان دانشجویان تحت پوشش این نهادها، دوره بسیار مهمی به شمار می‌آید.

■ منشأ امریکایی نوسازی فرهنگی در دوره پهلوی‌ها

دولت پهلوی به دلیل رقابت‌های ایدئولوژیک دو بلوک شرق و غرب برای انجام اصلاحات اقتصادی و اجتماعی از سوی دولت آمریکا تحت فشار بود و بر اساس الگوهای ارائه‌شده اجرا می‌شد و ایجاد فرهنگی و اجتماعی از اهمیت بیشتری بر‌خوردار بود. از نظر داخلی، تربیت نیروی انسانی ماهر و آموزش دیده برای نوسازی اقتصادی و اجتماعی یک ضرورت برای جامعه در حال گذار ایران بود. بنابراین نیاز به نوسازی فرهنگی یکی از ارکان این اصلاحات به‌شمار می‌رفت. سیاست خارجی آمریکا بعد از جنگ جهانی دوم و با ارائه دکترین ترومن بر اساس تقابل دو ایدئولوژی متخاصم سرمایه‌داری و کمونیستی استوار گردید. این دو ایدئولوژی در حوزه‌های سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی و

تغییر ساختار فرهنگی و آموزشی کشور از تأثیرات‌های رضاخان به‌شمار می‌رود

تغییر ساختار فرهنگی و آموزشی کشور از تأثیرات‌های رضاخان به‌شمار می‌رود

تغییر ساختار فرهنگی و آموزشی کشور از تأثیرات‌های رضاخان به‌شمار می‌رود

تغییر ساختار فرهنگی و آموزشی کشور از تأثیرات‌های رضاخان به‌شمار می‌رود

تغییر ساختار فرهنگی و آموزشی کشور از تأثیرات‌های رضاخان به‌شمار می‌رود

تغییر ساختار فرهنگی و آموزشی کشور از تأثیرات‌های رضاخان به‌شمار می‌رود

تغییر ساختار فرهنگی و آموزشی کشور از تأثیرات‌های رضاخان به‌شمار می‌رود

تغییر ساختار فرهنگی و آموزشی کشور از تأثیرات‌های رضاخان به‌شمار می‌رود

تغییر ساختار فرهنگی و آموزشی کشور از تأثیرات‌های رضاخان به‌شمار می‌رود

تغییر ساختار فرهنگی و آموزشی کشور از تأثیرات‌های رضاخان به‌شمار می‌رود

تغییر ساختار فرهنگی و آموزشی کشور از تأثیرات‌های رضاخان به‌شمار می‌رود

تغییر ساختار فرهنگی و آموزشی کشور از تأثیرات‌های رضاخان به‌شمار می‌رود

تغییر ساختار فرهنگی و آموزشی کشور از تأثیرات‌های رضاخان به‌شمار می‌رود

تغییر ساختار فرهنگی و آموزشی کشور از تأثیرات‌های رضاخان به‌شمار می‌رود

تغییر ساختار فرهنگی و آموزشی کشور از تأثیرات‌های رضاخان به‌شمار می‌رود

تغییر ساختار فرهنگی و آموزشی کشور از تأثیرات‌های رضاخان به‌شمار می‌رود

تغییر ساختار فرهنگی و آموزشی کشور از تأثیرات‌های رضاخان به‌شمار می‌رود

تغییر ساختار فرهنگی و آموزشی کشور از تأثیرات‌های رضاخان به‌شمار می‌رود

تغییر ساختار فرهنگی و آموزشی کشور از تأثیرات‌های رضاخان به‌شمار می‌رود

تغییر ساختار فرهنگی و آموزشی کشور از تأثیرات‌های رضاخان به‌شمار می‌رود

تغییر ساختار فرهنگی و آموزشی کشور از تأثیرات‌های رضاخان به‌شمار می‌رود

تغییر ساختار فرهنگی و آموزشی کشور از تأثیرات‌های رضاخان به‌شمار می‌رود

تغییر ساختار فرهنگی و آموزشی کشور از تأثیرات‌های رضاخان به‌شمار می‌رود

تغییر ساختار فرهنگی و آموزشی کشور از تأثیرات‌های رضاخان به‌شمار می‌رود

تغییر ساختار فرهنگی و آموزشی کشور از تأثیرات‌های رضاخان به‌شمار می‌رود

تغییر ساختار فرهنگی و آموزشی کشور از تأثیرات‌های رضاخان به‌شمار می‌رود

تغییر ساختار فرهنگی و آموزشی کشور از تأثیرات‌های رضاخان به‌شمار می‌رود

تغییر ساختار فرهنگی و آموزشی کشور از تأثیرات‌های رضاخان به‌شمار می‌رود

تغییر ساختار فرهنگی و آموزشی کشور از تأثیرات‌های رضاخان به‌شمار می‌رود

تغییر ساختار فرهنگی و آموزشی کشور از تأثیرات‌های رضاخان به‌شمار می‌رود

تغییر ساختار فرهنگی و آموزشی کشور از تأثیرات‌های رضاخان به‌شمار می‌رود

تغییر ساختار فرهنگی و آموزشی کشور از تأثیرات‌های رضاخان به‌شمار می‌رود

تغییر ساختار فرهنگی و آموزشی کشور از تأثیرات‌های رضاخان به‌شمار می‌رود

تغییر ساختار فرهنگی و آموزشی کشور از تأثیرات‌های رضاخان به‌شمار می‌رود

تغییر ساختار فرهنگی و آموزشی کشور از تأثیرات‌های رضاخان به‌شمار می‌رود

تغییر ساختار فرهنگی و آموزشی کشور از تأثیرات‌های رضاخان به‌شمار می‌رود

تغییر ساختار فرهنگی و آموزشی کشور از تأثیرات‌های رضاخان به‌شمار می‌رود

تغییر ساختار فرهنگی و آموزشی کشور از تأثیرات‌های رضاخان به‌شمار می‌رود

تغییر ساختار فرهنگی و آموزشی کشور از تأثیرات‌های رضاخان به‌شمار می‌رود

تغییر ساختار فرهنگی و آموزشی کشور از تأثیرات‌های رضاخان به‌شمار می‌رود

تغییر ساختار فرهنگی و آموزشی کشور از تأثیرات‌های رضاخان به‌شمار می‌رود

تغییر ساختار فرهنگی و آموزشی کشور از تأثیرات‌های رضاخان به‌شمار می‌رود

فرهنگی رودرروی هم قرار گرفتند. انگلستان بعد از جنگ جهانی دوم به علت ضعف مفرط مجبور به ترک صحنه بین‌الملل به نفع آمریکا شد. آمریکا به‌عنوان رهبر بلوک غرب در مقابل تهدید کمونیسم در هر نقطه از جهان احساس مسئولیت می‌کرد؛ بدین‌جهت نگاه دولتمردان امریکایی نسبت به مقوله دیپلماسی کاملاً عوض شد. دولتمردانی چون «فولبرایت و مک لیش» اظهار می‌داشتند که در یک جهان تقسیم‌شده‌ای که موضوع و محور اصلی آن تقسیم فرهنگ است، روابط فرهنگی و آموزشی از اهمیت بسزایی بر‌خوردار است؛ زیرا موضوعات فرهنگی زیربنای سایر موضوعات هستند و در چنین جهانی، شکست یک فرهنگ، شکست یک جبهه خواهد بود. بعد از کودتای ۲۸ مرداد حضور امریکایی‌ها در ایران پررنگ شد و در زمینه فرهنگ، با ایجاد «بنیاد فورد، گروه مشورتی دانشگاه هاروارد، بنیاد خاور نزدیک، دوستان امریکایی خاورمیانه» حضور پیدا کردند. بسیاری از برنامه‌های فرهنگی-آموزشی را در قالب اصل چهار اجرا نمودند؛ زیرا آموزش در اصل چهار بسیار مهم بود. از آنجایی که آمریکا پس از جنگ جهانی دوم دست‌اندر کار ساختن یک نظام بین‌الملل بود و می‌کوشید با این نظام، منافع جهان سرمایه‌داری را حفظ کند، لذا تلاش می‌کرد ساخت نهادهای اداری و آموزشی جهان سوم را با نظام سرمایه‌داری قابل تطبیق و ادغام کند. سیاستمداران امریکایی بر این باور بودند که سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش منبع تولید مهمی است که می‌تواند زمینه‌های رشد اقتصادی و نوسازی را فراهم آورد، این دلایل سبب شد که هزینه‌های بیشتری به آموزش و پرورش اختصاص یابد. الگوهای نوین امریکایی را جایگزین الگوهای بومی و سنتی کردند.

■ مدارس مسیسوئوری و مدارس امریکایی، ابزارهای تغییر ساختار فرهنگی

مدارس امریکایی در نقاط مختلف شهر تهران ایجاد شد و از مدارس مسیسوئوری که قبلاً ایجاد شده بود حمایت شد. گسترش روابط فرهنگی در قالب طرح‌ها و برنامه‌های آموزشی این مدارس مانند تدریس کلیه دروس به زبان انگلیسی، آشنا نمودن دانش‌آموزان ایرانی با فرهنگ امریکایی، اعزام دانش‌آموزان برای دوره یک‌ساله به امریکا مد نظر قرار گرفت؛ زیرا امریکایی‌ها سازماندهی آموزش در دوره ابتدایی چهار در ایران، معطوف آموزش نیروی انسانی و بهره‌برداری از مواد خام است. امریکا تلاش می‌کرد درآمزی سیستم جدید تعلیم و تربیت را به ایرانی‌ها نشان داده و سازمان‌های آموزشی در دوره ابتدایی متوسطه و دانشگاه را توسعه دهد. برنامه‌های نوسازی و اصلاحات در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، توانست مذهب و باورها و اعتقادات مردم را کم‌رنگ کند و جامعه ایرانی را از فرهنگ ملی و سنتی خود دور سازد. تغییراتی در سیستم آموزشی ایجاد شد اما در جایگزین کردن کامل فرهنگ غربی به‌جای فرهنگ سنتی ایرانی موفق نبود.

■ شرایط ناکامی در دوره پهلوی دوم، روایت یک ناکامی

در دوره پهلوی دوم، سیاست کشور در برنامه‌ریزی پیرامون رشد و توسعه دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی مانند، متمرکز روی دانشگاه‌ها و دانشگاه‌های پزشکی بود. بر اثر تشنجات سیاسی کشور در نیمه دوم دهه ۱۳۲۰ خورشیدی تا چند سال اول دهه ۱۳۳۰، اجباری برنامه هفت ساله اول عمرانی با مشکلات فراوانی مواجه شد و جابه‌جایی‌های متعددی در مدیریت آموزش عالی صورت پذیرفت. حدود ۱۰ سال پس از تصویب قانون تأسیس دانشگاه‌های شهرستان‌ها، برای توسعه دانشگاه‌های مذکور، قانون راجع به تکمیل عده مدرسان دانشگاه‌های شهرستان‌ها در ۱۳۳۸ به تصویب رسید. تأسیس دانشگاه تهران جزئی از پروژه مدرنیزاسیون دولتی بود که سال‌ها بعد از تأسیس دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی صورت پذیرفت. حدود ۱۰ سال پس از تصویب قانون تأسیس دانشگاه‌های شهرستان‌ها، برای توسعه دانشگاه‌های مذکور، قانون راجع به تکمیل عده مدرسان دانشگاه‌های شهرستان‌ها در ۱۳۳۸ به تصویب رسید. تأسیس دانشگاه تهران جزئی از پروژه مدرنیزاسیون دولتی بود که سال‌ها بعد از تأسیس دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی صورت پذیرفت. حدود ۱۰ سال پس از تصویب قانون تأسیس دانشگاه‌های شهرستان‌ها، برای توسعه دانشگاه‌های مذکور، قانون راجع به تکمیل عده مدرسان دانشگاه‌های شهرستان‌ها در ۱۳۳۸ به تصویب رسید. تأسیس دانشگاه تهران جزئی از پروژه مدرنیزاسیون دولتی بود که سال‌ها بعد از تأسیس دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی صورت پذیرفت. حدود ۱۰ سال پس از تصویب قانون تأسیس دانشگاه‌های شهرستان‌ها، برای توسعه دانشگاه‌های مذکور، قانون راجع به تکمیل عده مدرسان دانشگاه‌های شهرستان‌ها در ۱۳۳۸ به تصویب رسید. تأسیس دانشگاه تهران جزئی از پروژه مدرنیزاسیون دولتی بود که سال‌ها بعد از تأسیس دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی صورت پذیرفت. حدود ۱۰ سال پس از تصویب قانون تأسیس دانشگاه‌های شهرستان‌ها، برای توسعه دانشگاه‌های مذکور، قانون راجع به تکمیل عده مدرسان دانشگاه‌های شهرستان‌ها در ۱۳۳۸ به تصویب رسید. تأسیس دانشگاه تهران جزئی از پروژه مدرنیزاسیون دولتی بود که سال‌ها بعد از تأسیس دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی صورت پذیرفت. حدود ۱۰ سال پس از تصویب قانون تأسیس دانشگاه‌های شهرستان‌ها، برای توسعه دانشگاه‌های مذکور، قانون راجع به تکمیل عده مدرسان دانشگاه‌های شهرستان‌ها در ۱۳۳۸ به تصویب رسید. تأسیس دانشگاه تهران جزئی از پروژه مدرنیزاسیون دولتی بود که سال‌ها بعد از تأسیس دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی صورت پذیرفت. حدود ۱۰ سال پس از تصویب قانون تأسیس دانشگاه‌های شهرستان‌ها، برای توسعه دانشگاه‌های مذکور، قانون راجع به تکمیل عده مدرسان دانشگاه‌های شهرستان‌ها در ۱۳۳۸ به تصویب رسید. تأسیس دانشگاه تهران جزئی از پروژه مدرنیزاسیون دولتی بود که سال‌ها بعد از تأسیس دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی صورت پذیرفت. حدود ۱۰ سال پس از تصویب قانون تأسیس دانشگاه‌های شهرستان‌ها، برای توسعه دانشگاه‌های مذکور، قانون راجع به تکمیل عده مدرسان دانشگاه‌های شهرستان‌ها در ۱۳۳۸ به تصویب رسید. تأسیس دانشگاه تهران جزئی از پروژه مدرنیزاسیون دولتی بود که سال‌ها بعد از تأسیس دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی صورت پذیرفت. حدود ۱۰ سال پس از تصویب قانون تأسیس دانشگاه‌های شهرستان‌ها، برای توسعه دانشگاه‌های مذکور، قانون راجع به تکمیل عده مدرسان دانشگاه‌های شهرستان‌ها در ۱۳۳۸ به تصویب رسید. تأسیس دانشگاه تهران جزئی از پروژه مدرنیزاسیون دولتی بود که سال‌ها بعد از تأسیس دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی صورت پذیرفت. حدود ۱۰ سال پس از تصویب قانون تأسیس دانشگاه‌های شهرستان‌ها، برای توسعه دانشگاه‌های مذکور، قانون راجع به تکمیل عده مدرسان دانشگاه‌های شهرستان‌ها در ۱۳۳۸ به تصویب رسید. تأسیس دانشگاه تهران جزئی از پروژه مدرنیزاسیون دولتی بود که سال‌ها بعد از تأسیس دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی صورت پذیرفت. حدود ۱۰ سال پس از تصویب قانون تأسیس دانشگاه‌های شهرستان‌ها، برای توسعه دانشگاه‌های مذکور، قانون راجع به تکمیل عده مدرسان دانشگاه‌های شهرستان‌ها در ۱۳۳۸ به تصویب رسید. تأسیس دانشگاه تهران جزئی از پروژه مدرنیزاسیون دولتی بود که سال‌ها بعد از تأسیس دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی صورت پذیرفت. حدود ۱۰ سال پس از تصویب قانون تأسیس دانشگاه‌های شهرستان‌ها، برای توسعه دانشگاه‌های مذکور، قانون راجع به تکمیل عده مدرسان دانشگاه‌های شهرستان‌ها در ۱۳۳۸ به تصویب رسید. تأسیس دانشگاه تهران جزئی از پروژه مدرنیزاسیون دولتی بود که سال‌ها بعد از تأسیس دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی صورت پذیرفت. حدود ۱۰ سال پس از تصویب قانون تأسیس دانشگاه‌های شهرستان‌ها، برای توسعه دانشگاه‌های مذکور، قانون راجع به تکمیل عده مدرسان دانشگاه‌های شهرستان‌ها در ۱۳۳۸ به تصویب رسید. تأسیس دانشگاه تهران جزئی از پروژه مدرنیزاسیون دولتی بود که سال‌ها بعد از تأسیس دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی صورت پذیرفت. حدود ۱۰ سال پس از تصویب قانون تأسیس دانشگاه‌های شهرستان‌ها، برای توسعه دانشگاه‌های مذکور، قانون راجع به تکمیل عده مدرسان دانشگاه‌های شهرستان‌ها در ۱۳۳۸ به تصویب رسید. تأسیس دانشگاه تهران جزئی از پروژه مدرنیزاسیون دولتی بود که سال‌ها بعد از تأسیس دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی صورت پذیرفت. حدود ۱۰ سال پس از تصویب قانون تأسیس دانشگاه‌های شهرستان‌ها، برای توسعه دانشگاه‌های مذکور، قانون راجع به تکمیل عده مدرسان دانشگاه‌های شهرستان‌ها در ۱۳۳۸ به تصویب رسید. تأسیس دانشگاه تهران جزئی از پروژه مدرنیزاسیون دولتی بود که سال‌ها بعد از تأسیس دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی صورت پذیرفت. حدود ۱۰ سال پس از تصویب قانون تأسیس دانشگاه‌های شهرستان‌ها، برای توسعه دانشگاه‌های مذکور، قانون راجع به تکمیل عده مدرسان دانشگاه‌های شهرستان‌ها در ۱۳۳۸ به تصویب رسید. تأسیس دانشگاه تهران جزئی از پروژه مدرنیزاسیون دولتی بود که سال‌ها بعد از تأسیس دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی صورت پذیرفت. حدود ۱۰ سال پس از تصویب قانون تأسیس دانشگاه‌های شهرستان‌ها، برای توسعه دانشگاه‌های مذکور، قانون راجع به تکمیل عده مدرسان دانشگاه‌های شهرستان‌ها در ۱۳۳۸ به تصویب رسید. تأسیس دانشگاه تهران جزئی از پروژه مدرنیزاسیون دولتی بود که سال‌ها بعد از تأسیس دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی صورت پذیرفت. حدود ۱۰ سال پس از تصویب قانون تأسیس دانشگاه‌های شهرستان‌ها، برای توسعه دانشگاه‌های مذکور، قانون راجع به تکمیل عده مدرسان دانشگاه‌های شهرستان‌ها در ۱۳۳۸ به تصویب رسید. تأسیس دانشگاه تهران جزئی از پروژه مدرنیزاسیون دولتی بود که سال‌ها بعد از تأسیس دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی صورت پذیرفت. حدود ۱۰ سال پس از تصویب قانون تأسیس دانشگاه‌های شهرستان‌ها، برای توسعه دانشگاه‌های مذکور، قانون راجع به تکمیل عده مدرسان دانشگاه‌های شهرستان‌ها در ۱۳۳۸ به تصویب رسید. تأسیس دانشگاه تهران جزئی از پروژه مدرنیزاسیون دولتی بود که سال‌ها بعد از تأسیس دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی صورت پذیرفت. حدود ۱۰ سال پس از تصویب قانون تأسیس دانشگاه‌های شهرستان‌ها، برای توسعه دانشگاه‌های مذکور، قانون راجع به تکمیل عده مدرسان دانشگاه‌های شهرستان‌ها در ۱۳۳۸ به تصویب رسید. تأسیس دانشگاه تهران جزئی از پروژه مدرنیزاسیون دولتی بود که سال‌ها بعد از تأسیس دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی صورت پذیرفت. حدود ۱۰ سال پس از تصویب قانون تأسیس دانشگاه‌های شهرستان‌ها، برای توسعه دانشگاه‌های مذکور، قانون راجع به تکمیل عده مدرسان دانشگاه‌های شهرستان‌ها در ۱۳۳۸ به تصویب رسید. تأسیس دانشگاه تهران جزئی از پروژه مدرنیزاسیون دولتی بود که سال‌ها بعد از تأسیس دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی صورت پذیرفت. حدود ۱۰ سال پس از تصویب قانون تأسیس دانشگاه‌های شهرستان‌ها، برای توسعه دانشگاه‌های مذکور، قانون راجع به تکمیل عده مدرسان دانشگاه‌های شهرستان‌ها در ۱۳۳۸ به تصویب رسید. تأسیس دانشگاه تهران جزئی از پروژه مدرنیزاسیون دولتی بود که سال‌ها بعد از تأسیس دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی صورت پذیرفت. حدود ۱۰ سال پس از تصویب قانون تأسیس دانشگاه‌های شهرستان‌ها، برای توسعه دانشگاه‌های مذکور، قانون راجع به تکمیل عده مدرسان دانشگاه‌های شهرستان‌ها در ۱۳۳۸ به تصویب رسید. تأسیس دانشگاه تهران جزئی از پروژه مدرنیزاسیون دولتی بود که سال‌ها بعد از تأسیس دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی صورت پذیرفت. حدود ۱۰ سال پس از تصویب قانون تأسیس دانشگاه‌های شهرستان‌ها، برای توسعه دانشگاه‌های مذکور، قانون راجع به تکمیل عده مدرسان دانشگاه‌های شهرستان‌ها در ۱۳۳۸ به تصویب رسید. تأسیس دانشگاه تهران جزئی از پروژه مدرنیزاسیون دولتی بود که سال‌ها بعد از تأسیس دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی صورت پذیرفت